

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۱/۱۵
تاریخ بررسی مقاله: ۹۰/۰۲/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۳/۰۸

مجله مشاوره کاربردی
(علوم تربیتی و روانشناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۸،
دوره‌ی چهارم، سال ۱۶-۴، شماره‌ی ۱
ص ص: ۱۰۳-۱۲۰

بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل

کریم رضادوست*، ایمان ممبنی**

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی تأخیر سن ازدواج در زنان شاغل شهر اهواز انجام گرفته است. ۴۰۰ نفر از زنان شاغل شهر اهواز به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب از میان کلیه زنان شاغل انتخاب گردیدند و پرسشنامه محقق ساخته را تکمیل نمودند. یافته‌ها نشان داد که بین تأخیر سن ازدواج زنان و متغیرهایی مانند تحصیلات، میزان درآمد، میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج، افزایش سن ازدواج، میزان تحصیلات.

* دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، (نویسنده مسئول). تلفکس: +۹۸۶۱۱۳۳۳۷۴۱۱
Email: rajabireza@scu.ac.ir
** مربی پژوهش جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران.

مقدمه

ازدواج^۱ مبنای تشکیل خانواده، یعنی، اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی و خواست و نیاز طبیعی انسان است که همه‌ی مکاتب، بویژه مکاتب آسمانی پیروان خود را به انجام آن تشویق و ترغیب می‌کنند (امینی، ۱۳۷۱). ازدواج، یکی از اشکال وصلت‌های نکاحی است. وصلت‌های نکاحی یا زناشویی، به هر وصلت ثابت، متشکل از دو جنس اشاره دارد. در ازدواج، زوج‌ها از طریق مراسم وصلت را قانونی می‌کنند، دائمی بودن وصلت قابل انتظار بوده و داشتن فرزند در چنین وصلت‌هایی دارای مشروعیت قانونی و اجتماعی است (لوکاس و میر^۲، ۱۹۹۹، ترجمه: محمودیان، ۱۳۸۱). به نظر لوی اشتروس، ازدواج برخوردار است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی (مهدوی، ۱۳۷۷). بنابراین ازدواج قاعده‌مند کردن روابط جنسی بین دو جنس است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسانی است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامش‌بخش خانواده است. از دیدگاه روانشناسی^۳، ازدواج یکی از بالاترین ترکیب‌های روانی را در بر می‌گیرد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعه‌های انسانی و بیماری‌ها، متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش این ضایعات حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می‌تواند از اشاعه‌ی فساد و فحشا و رفتارهای ناپسندی که می‌تواند پیامد مستقیم عنان‌گسیختگی غرایز جنسی باشد، جلوگیری کند (گرامیان، ۱۳۸۷).

تمایل به جنس مخالف که مبنای ازدواج را تشکیل می‌دهد، تابع شرایط زیست‌شناختی رشد است. زمان ایجاد این تمایل در هر دو جنس تحت عنوان سن بلوغ^۴ معرفی می‌شود. اما همه‌ی ازدواج‌ها در سنین بلوغ انجام نمی‌گیرند. از آنجا که ارتباط نکاحی بین دو نفر در قالب ازدواج مسبوق به وجود توافق جمعی درباره‌ی آن است، قواعد اجتماعی حاکم بر ازدواج، تعیین‌کننده‌ی اصلی زمان ازدواج‌اند و فاصله گرفتن زمان ازدواج از سن بلوغ ممکن است در زمان‌های مختلف، اشکال متفاوتی پیدا کند (محمودیان، ۱۳۸۳). جوامع انسانی بویژه در طی دو قرن اخیر، شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش نخست در کشورهای

1- marriage

2- Locus, & Meyer

3- psychological

4- puberty

اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم، به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (لوکاس و میر، ۱۹۹۹، ترجمه: محمودیان، ۱۳۸۱). به علت اهمیت این تغییر و تبعات مختلف آن، بسیاری از مطالعه‌ها بر آن شدند تا تبیین و تفسیر مناسبی را برای علت وقوع این پدیده پیدا کنند (محمودیان، ۱۳۸۳).

افزایش قابل توجه سن ازدواج زنان (سن ازدواج بیشتر از سن بلوغ) پس از قرن‌ها تجربه‌ی ازدواج زودرس، پدیده‌ای مهم در حوزه‌ی تغییرات اجتماعی به شمار می‌رود. از عوامل تأثیرگذار بر این مسئله می‌توان به میزان تحصیلات، وضعیت مسکن و ثروت خانوادگی اشاره نمود. زنانی که تحصیلات بالایی دارند، یا در نواحی شهری زندگی می‌کنند و یا از نظر مالی در وضعیت مناسبی قرار دارند؛ کمتر احتمال دارد تن به ازدواج زود هنگام بدهند (PRB¹، ۲۰۰۵). ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه، این مسئله را تجربه کرده است. درصد افراد ازدواج کرده ۱۵-۱۹ ساله مرد از ۶/۳ در سال ۱۳۳۵ به ۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. کاهش درصد مشابه برای زنان در دوره‌ی مورد نظر از ۴۱ درصد به ۱۷/۹ درصد بوده است (زنجانی، ۱۳۷۸). در ایران سن قانونی ازدواج در حال حاضر ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای مردان است. ولی آمار و ارقام بیانگر این است که ازدواج زنان و مردان در گستره‌ی سنی ۱۲-۳۵ برای زنان و ۱۵-۴۰ سال برای مردان انجام می‌شود سن متوسط ازدواج زنان در ایران طی سال‌های سرشماری ۱۳۸۱-۱۳۴۵ به تدریج افزایش یافته و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۲ و در مردان از ۲۵ سال به ۲۵/۹ سال رسیده است. همچنین متوسط اختلاف سن زوج‌ها از ۶/۶ سال در سال ۱۳۴۵ به تدریج کاهش یافته و به ۲/۷ در سال ۱۳۸۱ رسیده است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). بر اساس گزارش شورای عالی جوانان (۱۳۸۳)، گرایش جوانان به تشکیل خانواده به نحو چشمگیری نسبت به قبل کمتر شده است. تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده، آثار سوء فراوانی برای فرد و جامعه خواهد داشت. مهم‌ترین اثر آن از نظر جمعیت‌شناختی، ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد است. کاهش فراگیر باروری در کشورهای مختلف از جمله ایران، بیشتر نتیجه‌ی ازدواج در سنین بالاتر است (عباسی شوازی^۲، ۲۰۰۰). علاوه بر این، ازدواج افراد در سنین بالاتر می‌تواند ساختار خانواده، تعامل اعضای آن با یکدیگر و الگوهای

1- Population Reference Bureau

2- Abbasi-Shavazi

رفتاری افراد خانواده را از طریق دگرگونی در چرخه‌ی زندگی خانوادگی متأثر سازد (محمودیان، ۱۳۸۳). یکی از تأثیرات زیان‌بار افزایش سن ازدواج در دختران، افزایش میزان وقوع ناهنجاری‌های مادرزادی و عقب‌ماندگی در نوزادان است که می‌تواند منحنی سلامت و هوش را در جامعه دچار اختلال نماید (کجیاف، لطیفی، پوراعتماد و توکلی، ۱۳۸۷).

در عصری که کنترل موالید بخشی از اندیشه و عمل اخلاقی تلقی می‌شود، ازدواج در سنین بالاتر، به گفته‌ی مشهور پیر جونو «حربه‌ی واقعی ضد حاملگی در اروپای کهن» بود و واکنش آگاهانه، یا ناآگاهانه، نسبت به مسأله افزایش جمعیت در شرایط وجود منابع ثابت، و در نتیجه عامل کاستن از تعداد و شدت موارد قحطی و گرسنگی تلقی می‌شد. تغییر در سن ازدواج، برای جمعیت‌شناسان و مورخانی که به مطالعه‌ی دقیق نوسان آن پرداخته‌اند، پدیده‌ای ارزشمند است؛ آنان بین تغییر در این عامل و تحولات اقتصادی و اجتماعی نوعی همبستگی را مشاهده کرده‌اند (سگالن، ۱۹۹۸ ترجمه: الیاسی، ۱۳۸۰).

عوامل مختلفی می‌توانند سن ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند که از جمله می‌توان به میزان تحصیلات، اشتغال به کار خارج از خانه (برای زنان)، میزان آزادی در انتخاب همسر و تغییر موقعیت اجتماعی زنان در جامعه اشاره کرد (محمودیان، ۱۳۸۳). رشد اقتصادی و آزادی‌خواهی از عواملی است که باعث افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان شده است. از جنبه دیگر، ازدواج در زنان در مواردی به دلایل اقتصادی صورت می‌گیرد. سن ازدواج در بنگلادش، مصر و ویتنام در بین زنان شاغل بالا رفته است. قبل از اصلاحات اقتصادی و تجارت آزاد، زنان بنگلادشی تا حد زیادی از دسترسی به کار محروم بودند؛ ولی در سال‌های اخیر زنان فرصت بیشتری برای استخدام پیدا کرده و مشاغل بیشتری را به خصوص در کارگاه‌های تولید پوشاک در دست دارند. این فرصت‌ها باعث شده تا آن‌ها موقعیت اجتماعی مناسب‌تری پیدا کرده و برخی رفتارهای اجتماعی، تحت تأثیر قرار بگیرد، از جمله ازدواج زودهنگام و ازدواج‌های با فاصله‌ی سنی زیاد. زنان بنگلادشی بطور سنتی در سنین پایین ازدواج می‌کنند، ولی در سال‌های اخیر علی‌رغم وجود چالش‌های فراوان در زمینه دستمزد پایین، شرایط بد محیط کار و همچنین ساعات طولانی اشتغال، سن ازدواج‌شان بالا رفته است (ساجده^۱، ۲۰۰۶).

همچنین تحولات دهه‌های اخیر جامعه‌ی ایران و تغییر شرایط زندگی از سنتی به مدرن، شرایط اقتصادی جامعه از جمله هزینه‌های سنگین زندگی، سخت‌گیری‌های خانواده‌ها نظیر مهریه‌ی بالا، داشتن مسکن مستقل، مراسم پر هزینه ازدواج و همچنین تغییر نگرش اجتماعی نسبت به ارتباط دختر و پسر و نیز علاقه‌مندی دختران به تحصیلات و داشتن مدرک دانشگاهی و فراهم شدن بیشتر امکان حضور آنان در بازار کار، موجب بالا رفتن توقع آنان شده و سن ازدواج‌شان را به تأخیر می‌اندازد.

در واقع، یکی از دلایل تأخیر در سن ازدواج، سال‌هایی است که صرف تحصیل می‌شود. درصد دانشجویان زن در دانشگاه‌ها دائم در حال افزایش می‌باشد. همچنین به تناسب افزایش تحصیلات و تخصص، علاقه‌مندی زنان جهت حضور و احراز شغل در جامعه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با توجه به نگرش عموم و بویژه زنان، مبنی بر لزوم بالاتر بودن جایگاه شوهر نسبت به زن در خانواده، زنان شاغل زمان بیشتری برای رسیدن به هدف مذکور، در انتظار برای تشکیل خانواده سپری خواهند کرد که موجب تأخیر در سن ازدواج‌شان می‌شود. اما باید توجه داشت که برای هر انسان، مخصوصاً زنان، سال‌های بهاری برای گزینش همسر به شمار می‌آید. چنانچه این سال‌ها سپری شود، به همان نسبت نیز شانس ادواج کاهش می‌یابد (کاری، ۱۳۸۲).

کشور ما در دهه‌ی ۱۳۶۰ بیشترین رشد جمعیت را داشته و در حال حاضر متولدین این دهه به سن ازدواج رسیده‌اند. با توجه به این که الگوی سنی ازدواج در ایران بر این روال است که مرد از همسرش بزرگ‌تر باشد، به نظر می‌رسد تعدادی از دختران فرصت ازدواج نداشته و در واقع با مسئله‌ی مضیق‌ی ازدواج^۱ در ایران مواجه هستیم. به عبارت دیگر، مضیق‌ی ازدواج برای توصیف و توضیح تأثیر عدم توازن تعداد مردان و زنان در سن ازدواج به کار می‌رود (شوئن^۲، ۱۹۸۳).

یکی از نظریه‌های مهمی که می‌توان در تحلیل موانع ساختاری ازدواج، از آن استفاده نمود نظریه‌ی نظام اجتماعی فرانک پارسونز^۳ است. هر چند در چهارچوب کارکردگرایی^۴

1- marriage Squeeze

2- Schoen

3- Frank Parsons

4- functionalism

ساختی صریحاً به این جنبه اشاره نشده است؛ ولی مشکلات ازدواج را می‌توان با توجه به اختلال یا عدم تعادل بین دو خرده نظام اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. در مدل پارسونز، چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، نیل به اهداف، انطباق با شرایط محیطی و ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی هستند (صدیق اورعی، ۱۳۷۸).

پارسونز در مورد فرآیند هسته‌ای شدن خانواده، به بیان اهمیت شغل پرداخته و بر اساس الگوهایی، آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند. به نظر وی یکی از آثار پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر، پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل یک فرآیند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش می‌باشد. در مسیر دگرگونی جوامع صنعتی، لحظه‌ای فرا می‌رسد که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشأ هیچ کمکی برای فرد نیست (بودن، ۱۹۹۱ ترجمه: کاشی، ۱۳۷۳). به این ترتیب شغل در سن ازدواج مؤثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشد طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده بر می‌آیند و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی درآمد کافی داشته باشند، نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند. در طبقه‌های مرفه کشورهای صنعتی، جوانان به ندرت قبل از ۲۸ یا ۳۰ سالگی قادر هستند به شغل دلخواه خود دسترسی پیدا کنند، خصوصاً اگر خواستار دستیابی به مشاغل عالی که نیازمند تحصیلات طولانی است، باشند. در صورتی که کارگران ماهر از ۲۱ تا ۲۳ سالگی و کارگران غیرماهر از ۱۸ سالگی شروع به کار می‌کنند. در نتیجه سن ازدواج برای طبقات مرفه بالاتر و برای طبقات تحتانی پایین‌تر است، شاید بتوان گفت هر قدر سطح زندگی پایین‌تر باشد، ازدواج زودتر انجام می‌پذیرد (جمشید، ۱۳۴۸).

گودکایند^۱ (۱۹۹۷) در تحلیل الگوهای سن اولین ازدواج مردان و زنان در ویتنام اشاره می‌کند که از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی در اثر تغییرات اقتصادی-اجتماعی و آشفته‌گی‌های وقایع سیاسی رو به ضعف نهاد. وی عوامل مهم مؤثر بر سن ازدواج را توسعه سیستم آموزش می‌پندارد و بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۹۸۹ نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر سن ازدواج، مسائلی نظیر تحصیلات، اشتغال (بویژه اشتغال زنان) و تفاوت شهر و

1- Goodkind

روستا است. گسترش و افزایش کسب تحصیلات سبب به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدید درباره ازدواج بویژه تمرکز بر ازدواج‌هایی که بر اساس عشق است؛ می‌شود. گسترش فرصت‌های شغلی در بخش‌های غیر کشاورزی بویژه برای زنان، اساساً درآمد را افزایش داد و استقلال اقتصادی افراد از والدین خود را بیشتر کرده است. این مسئله در انتخاب همسر، به زوج‌های جوان کمک کرده است. بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر سن ازدواج، انتخاب همسر به صورت آزادانه و حقوق برابر و مساوی بین زنان و مردان می‌باشد (آستین‌فشان، ۱۳۸۱).

مک‌دونالد و هیوول^۱ در سال ۱۹۹۴ در مورد علل افزایش سن ازدواج چنین اظهار می‌کنند که: تحصیلات عالی و اشتغال زنان با تأخیر ازدواج همبستگی مثبت و مستقیم نشان می‌دهد، همچنین دشواری دسترسی به زوج مناسب که در اثر پدیده‌ای به نام عدم تعادل جنسی به هنگام ازدواج ناشی می‌شود؛ با تأخیر ازدواج همبستگی دارد. از آن جایی که ازدواج‌ها معمولاً با یک فاصله سنی بین زن و مرد (مثلاً، ۵ سال و اغلب به نفع مرد) صورت می‌گیرد؛ در جوامعی که جمعیت کشور توأم با رشد است، و هرم سنی آن‌ها مثلثی شکل می‌باشد، ازدواج افراد در مقایسه با جامعه و کشوری که چنین وضعی ندارد؛ شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. در جوامعی که نسبت جنسی‌شان و در عین حال، رعایت تفاوت سنی زن و شوهر را لازم بدانند؛ سبب می‌شود که عده‌ای مجرد بمانند و فرصت دستیابی به زوج مناسب را از دست بدهند. مثلاً، اگر مردان ۳۹-۳۵ ساله با زنان ۲۴-۲۰ ساله ازدواج کنند؛ یقیناً با فزونی در این گروه که نتوانسته‌اند زوج مناسب پیدا کنند، مواجه خواهیم شد. این پدیده علاوه بر جوانی جمعیت، می‌تواند از عوامل مختلفی از قبیل افزایش مهاجرت مردان به داخل یا خارج یک ناحیه یا فقدان بسیاری از مردان در اثر جنگ، ناشی شود (آستین‌فشان، ۱۳۸۱).

همچنین یک عامل مهم دیگر در افزایش سن ازدواج، میزان آزادی در انتخاب همسر^۲ می‌باشد. ازدواج‌های ترتیب‌داده شده نسبت به ازدواج‌های انتخاب آزاد^۳ در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد. در ممالک غربی، تقریباً افراد آزادی کامل در انتخاب شریک‌شان دارند. در کشورهای در حال توسعه، ازدواج‌های ترتیب‌داده شده، امری عمومی و عادی است. وقوع

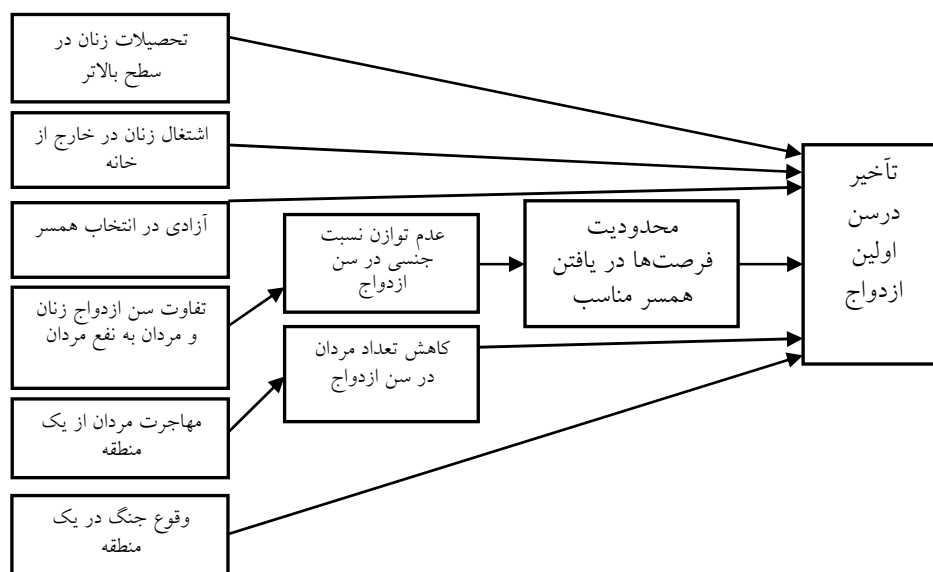
1- MacDonald, & Heuwal

2- spouse selection

3- free choice

ازدواج‌های ترتیب‌داده شده در نظام‌های خانواده هسته‌ای، احتمالاً کمتر از نظام‌های خانواده گسترده است. این چنین ازدواج‌هایی مسئولیت بزرگی برای خانواده محسوب می‌شود و توسط والدین، خویشاوندان و یا دلال‌ها صورت می‌گیرد. مدل شماره ۱، ساز و کار تأثیرگذاری متغیرهای مختلف بر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی مک‌دونالد و هیوول را نشان می‌دهد (گزارش سازمان ملل متحد، ۱۹۹۸، برگرفته از آستین افشان، ۱۳۸۱).

هدف این مطالعه بررسی رابطه تأخیر سن ازدواج زنان با تعدادی از متغیرها از جمله میزان درآمد زنان، میزان تحصیلات آن‌ها، وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده است.



مدل ۱. ساز و کار تأثیرگذاری متغیرهای مختلف بر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی مک‌دونالد و هیوول

روش

در این مطالعه از روش تحقیق پیمایشی^۱ استفاده شده است. جامعه‌ی این تحقیق شامل

1- survey

کلیه‌ی زنان شاغل متأهل و مجرد شهر اهواز است. تعداد این افراد مطابق با سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۳۰۷۲۹ نفر می‌باشد. از این تعداد ۴۰۰ زن متأهل و مجرد به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از نوع ^۱انتساب متناسب با حجم^۱ با استفاده از فرمول کوکران^۲ (کوپر^۳، ۱۹۹۶ ترجمه: رفیع‌پور، ۱۳۸۳) انتخاب شدند. در این مطالعه ۲۷/۲٪ زنان متعلق به گروه سنی ۲۵-۳۰ سال، ۲۱/۲٪ زنان متعلق به گروه سنی ۲۴-۲۰ سال، ۱۹/۲٪ متعلق به زنان گروه سنی ۴۰-۳۶ سال، ۱۷/۵٪ متعلق به زنان گروه سنی ۳۵-۳۱ سال و ۱۴/۷٪ متعلق به گروه سنی ۴۱ سال به بالا؛ ۲۰/۲٪ دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم، ۴۴/۵٪ دارای تحصیلات دیپلم، ۸/۷٪ دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۲۰/۲٪ دارای تحصیلات کارشناسی و ۲٪ دارای تحصیلات کارشناسی به بالا؛ ۴۰/۵٪ دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط، ۳۴/۲٪ دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین و ۲۴/۷٪ دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا هستند.

ابزار اندازه‌گیری

برای گردآوری داده‌های از یک پرسشنامه خود-گزارشی محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه در دو بخش تنظیم شد: بخش اول، اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی شرکت‌کنندگان (سن، میزان تحصیلات و میزان درآمد) و بخش دوم، مربوط به اندازه‌گیری متغیرهایی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج زنان (وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده) و دلایل افزایش سن ازدواج دختران و پسران از دیدگاه زنان بود. ماده‌های بخش دوم در یک طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با دامنه‌ی پاسخ‌های صفر (هرگز یا هیچ) تا چهار (خیلی زیاد) مرتب شده است. روایی محتوایی^۴ ابزار پژوهش با استفاده از دیدگاه‌های متخصصان و محققان جامعه‌شناسی پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری تأیید شد. ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه بر روی ۳۰ زن شاغل مجرد شهر اهواز انجام

1- proportional probability sampling

2- Cochran

3- Cooper

4- face Validity

رفت، که مقادیر به دست آمده رضایت بخش بودند. همچنین داده‌ها توسط بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی SPSS-۱۶ در سطح معنی داری $\alpha = 0/50$ تحلیل شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق در جداول جداگانه درج شده‌اند.

جدول ۱. درصد فراوانی دلایل افزایش سن ازدواج زنان و مردان از دیدگاه زنان

درصد	مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج زنان	درصد	مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج مردان
۲۳/۲٪	تمایل بیشتر دختران به اشتغال خارج از خانه	۲۳/۲٪	بیکاری
۲۱/۷٪	ترجیح دادن ادامه تحصیل	۱۶/۲٪	آزادی بیش از حد روابط دختر و پسر در جامعه
۱۹٪	برابری طلبی دختران در زندگی زناشویی	۱۵/۲٪	مسئولیت‌پذیری پایین پسران
۱۳٪	آزادی بیش از حد روابط دختر و پسر در جامعه	۱۲/۲٪	ترجیح دادن ادامه تحصیل
۸٪	نبود خواستگار مناسب	۹/۲٪	سنگینی هزینه تهیه مسکن
۷٪	سنگینی هزینه‌های تهیه جهیزیه	۸/۷٪	سنگین بودن هزینه‌های ازدواج
۵/۲٪	عدم شناخت کافی نسبت به خواستگاران	۷/۷٪	پایین بودن میزان درآمد
۲/۷٪	داشتن اهداف متعالی دیگر در زندگی	۵/۷٪	مهریه‌های سنگین
		۱٪	داشتن اهداف متعالی دیگر در زندگی
۱۰۰٪	جمع	۰٪	پیدا نکردن دختر مناسب
		۱۰۰٪	جمع

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج پسران از دیدگاه زنان "بیکاری ۳۲/۲٪"، "آزادی بیش از حد روابط دختر و پسر در جامعه ۱۶/۲٪"، "مسئولیت‌پذیری پایین پسران ۱۵/۲٪"، "ترجیح به ادامه تحصیل ۱۲/۲٪" و "غیرومی‌باشد. همچنین از مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج در زنان "تمایل بیشتر دختران به اشتغال خارج

از خانه ۲۲/۷٪، "ترجیح دادن به ادامه تحصیل ۲۱/۷٪"، "برابری طلبی دختران در زندگی زناشویی ۱۹٪" و "غیر و می‌باشند".

فرضیه اول تحقیق: بین تأخیر سن ازدواج (بدون تأخیر و با تأخیر) و میزان تحصیلات زنان (کمتر از دیپلم تا کارشناسی ارشد و بالاتر) رابطه وجود دارد.

جدول ۲. نتایج مجذور خی بین تأخیر در سن ازدواج و میزان تحصیلات زنان

میزان تحصیلات تأخیر در سن ازدواج	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
بدون تأخیر	۷۷/۷	۶۶/۳	۶۶/۱	۴۹	۲۱/۴
با تأخیر	۲۲/۲	۳۳/۶	۳۳/۸	۵۰/۹	۷۸/۵
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

$\chi^2: 100/72$ $P < 0/001$

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین تأخیر در سن ازدواج و میزان تحصیلات زنان ($\chi^2 = 100/72$ ، $P < 0/001$) رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته فرضیه اول تحقیق را تأیید می‌کند. به این صورت که درصد تأخیر سن ازدواج در بین زنان با تحصیلات بالاتر، بیشتر از زنان با تحصیلات کمتر می‌باشد.

فرضیه دوم تحقیق: بین تأخیر سن ازدواج (دو سطح) و میزان درآمد زنان (۵ سطح) رابطه وجود دارد.

جدول ۳. نتایج مجذور خی بین تأخیر در سن ازدواج و میزان درآمد زنان

میزان درآمد	تا ۲۰۰ هزار	۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار	۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار	۴۰۱ تا ۵۰۰ هزار	۵۰۱ هزار تومان به بالا
بدون تأخیر	۹۰/۱	۸۶	۵۱/۲	۴۴/۲	۳۱/۲
با تأخیر	۹/۸	۱۳/۹	۴۸/۷	۵۵/۷	۶۸/۷
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

$\chi^2: 122/10$ $P < 0/001$

جدول ۳ نشان می‌دهد که بین تأخیر در سن ازدواج و میزان درآمد زنان رابطه معنی‌داری دیده می‌شود ($\chi^2 = 122/10$ ، $P < 0/001$). این نتیجه فرضیه دوم تحقیق را تأیید می‌کند. بدین

معنی که درصد تأخیر سن ازدواج در میان زنان با درآمد بالاتر بیشتر از زنان با درآمد کمتر می‌باشد.

فرضیه سوم تحقیق: بین تأخیر سن ازدواج زنان (دو سطح) و میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد دختر (کم و زیاد) در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۴. نتایج مجذور خی بین تأخیر در سن ازدواج زنان و میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد دختر

زیاد	کم	وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد دختر
۳۲/۱	۴۸/۵	بدون تأخیر
۶۷/۸	۵۱/۴	با تأخیر
۱۰۰	۱۰۰	کل
$\chi^2: ۳۳/۷۳$		$P < ۰/۰۰۱$

جدول ۴ نشان می‌دهد که بین تأخیر در سن ازدواج زنان (بدون تأخیر و با تأخیر) و میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد دختر در سطح آماری $P < ۰/۰۱$ ($\chi^2 = ۳۳/۷۳$) رابطه‌ی معنادار وجود دارد. این یافته فرضیه سوم تحقیق را تأیید می‌کند. به این شکل که درصد تأخیر سن ازدواج در میان زنانی که خانواده‌ی آنها وابستگی بیشتری به درآمد آنها دارند؛ بیشتر از زنانی که خانواده‌ی آنها وابستگی کم‌تری به درآمد آنها دارند.

فرضیه چهارم تحقیق: بین تأخیر سن ازدواج زنان (دو سطح) و میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر (دو سطح) رابطه وجود دارد.

جدول ۵. نتایج مجذور خی بین تأخیر در سن ازدواج زنان و میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر

زیاد	کم	میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر
۴۶/۴	۷۴/۶	بدون تأخیر
۵۳/۵	۲۵/۳	با تأخیر
۱۰۰	۱۰۰	کل
$\chi^2: ۱۱۴۳/۹۲$		$P < ۰/۰۰۱$

همان گونه که در جدول ۵ نشان داده شده است، بین تأخیر سن ازدواج زنان و میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر در سطح آماری $P < 0/001$ ($\chi^2 = 1143/92$) رابطه‌ی معنادار وجود دارد. این یافته باعث تأیید فرضیه چهارم تحقیق می‌شود. در این جا درصد تأخیر سن ازدواج در میان زنانی که شرایط اقتصادی همسر از دید آن‌ها اهمیت بیشتری دارد؛ بالاتر از زنانی که میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر از دید آن‌ها اهمیت کم‌تری دارد. فرضیه پنجم تحقیق: بین تأخیر سن ازدواج زنان و میزان توجه خانواده دختر به شرایط اقتصادی داماد رابطه وجود دارد.

جدول ۶. نتایج مجذور خی بین تأخیر در سن ازدواج زنان و میزان توجه خانواده دختر به شرایط اقتصادی داماد

میزان توجه خانواده دختر به شرایط اقتصادی داماد	
کم	زیاد
۷۶	۴۷/۵
۲۴	۵۲/۵
۱۰۰	۱۰۰
کل	
$\chi^2: 1118/32$ $P < 0/001$	

همان گونه که از جدول ۶ بر می آید، بین تأخیر در سن ازدواج زنان و میزان توجه خانواده زنان به شرایط اقتصادی داماد رابطه معنی‌داری وجود دارد ($\chi^2 = 1118/32$). این یافته فرضیه پنجم تحقیق را تأیید می‌کند. بدین صورت که درصد تأخیر سن ازدواج در میان زنان خانواده‌هایی که شرایط اقتصادی داماد از دید آن‌ها اهمیت بیشتری دارد؛ بالاتر از دخترانی که میزان توجه خانواده به شرایط اقتصادی داماد اهمیت کم‌تری دارد.

فرضیه ششم تحقیق: بین تأخیر سن ازدواج زنان با میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده رابطه وجود دارد

جدول ۷. نتایج مجذور خی بین تأخیر در سن ازدواج زنان و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده

میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده	
کم	زیاد
۵۹/۶	۳۶/۶
۴۰/۳	۶۳/۳
۱۰۰	۱۰۰
کل	
$\chi^2: 1029/84$ $P < 0/001$	

همان گونه که از جدول ۷ بر می آید، بین تأخیر در سن ازدواج زنان و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده رابطه معنی داری وجود دارد ($\chi^2 = 1029/84$). این یافته فرضیه شش تحقیق را تأیید می کند. بدین شکل که درصد تأخیر سن ازدواج در میان زنان و دخترانی که میزان توقعات غیرمادی از منظر آنها اهمیت بیشتری دارد؛ بالاتر از زنان و دخترانی است که میزان توقعات غیرمادی از دید آنها اهمیت کمتری دارد.

بحث

تجربه‌ی تاریخی کشورها و جوامع در دوره‌ی معاصر نشان‌دهنده‌ی افزایش سن ازدواج است. این افزایش در بین زنان نسبت به مردان شدیدتر بوده است. ایران نیز همانند سایر کشورها، شاهد این تجربه بوده است و ازدواج‌های جدید در سنین بالاتری اتفاق می‌افتند. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در زندگی افراد و با توجه به افزایش نسبت افراد واجد شرایط برای ازدواج در جمعیت کنونی کشور، مطالعه‌ی تغییرات سن ازدواج و شناخت علل مؤثر بر آن هم از بعد علمی و هم از بعد کاربردی در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی ملی و محلی اهمیت به‌سزایی دارد (محمودیان، ۱۳۸۳). شاخص‌های افزایش میانگین سن ازدواج زنان و کاهش جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده، نشان‌دهنده‌ی تغییرات وسیعی در وضعیت ازدواج و زناشویی در سال‌های اخیر بوده و فرضیه‌ی تأخیر در سن ازدواج بطور کلی و سن ازدواج زنان بطور اخص را تأیید می‌کند. یافته‌های این پژوهش مؤید نظرات ایگل و صالحی^۱ (۲۰۰۹) بوده است. آن‌ها در پژوهش خود با عنوان «بررسی علل تأخیر ازدواج جوانان ایرانی» به این نتیجه رسیدند که میزان تحصیلات و سابقه کار بر سن ازدواج زنان اثرگذار است و یکی از علل تأخیر سن ازدواج برای مردان عوامل اقتصادی و بیکاری بود، در حالی که برای زنان این امر بر عکس بوده و به میزانی که زن‌ها میزان تحصیلات بالاتر یا سابقه کار بیشتر داشته باشند، یا در حال حاضر مشغول به تحصیل باشند، تأخیر بیشتری در سن ازدواج‌شان مشاهده می‌شود. این نکته نشان می‌دهد که تأخیر سن ازدواج در این دسته از زنان، نه اقتصادی، بلکه بیشتر ساختاری و به منظور دنبال کردن اهداف زندگی بوده است.

1- Egle, & Daniel

افزایش سن ازدواج زنان تا حد زیادی تابع بهبود موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان است. گسترش تحصیلات عمومی موجب مشارکت بیشتر زنان در امور بیرون از خانه و آگاهی از وضعیت خویش و تلاش برای بهبود آن در جهت نیل به موقعیتی همانند مردان شده است. در نتیجه، ارزش‌ها و آرزوهای مرتبط به ازدواج و تشکیل خانواده‌ی زنان دچار دگرگونی شده‌اند. برای دستیابی به موقعیت بالاتر، به تأخیر انداختن ازدواج، اقدام دوراندیشانه‌ای تلقی شده که گاه با ترغیب و تشویق والدین و اطرافیان نیز مواجه می‌شود. علاوه بر آن، موقعیت حاصل شده نیازمند تثبیت بوده و این مسئله زمانی امکان‌پذیر است که همسری مناسب که بتواند از موقعیت او در زندگی حمایت کند را انتخاب می‌کند. از آن‌جا که یافتن چنین همسری چندان ساده نیست، تأخیر مضاعف ازدواج حاصل کار خواهد بود (محمودیان، ۱۳۸۳). این نکته را آیزن و استیونسون^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای نشان دادند که زنان با سطح تحصیلات بالاتر و شاغل، کمتر احتمال دارد که به ازدواج به روش‌های سنتی تن دهند. همچنین این زنان نسبت به زنان با تحصیلات پایین‌تر، در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند.

با توجه به آنچه بیان شد و تأیید همه‌ی فرضیه‌های تحقیق مبنی بر رابطه‌ی بین تأخیر سن ازدواج زنان با متغیرهای میزان تحصیلات، میزان درآمد، میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده، می‌توان دریافت که مسئله ازدواج دختران موضوعی نظام‌مند بوده و تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فردی و خانواده قابل تبیین است. از این رو ارایه پیشنهادها در سه حوزه فردی، خانواده و اجتماع قابل انتظار است. از جمله‌ی این پیشنهادات می‌توان به آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان اشاره نمود، تا دوام و پایداری زندگی مشترک افزایش یافته، امید به ازدواج موفق بیشتر شود. اگر افراد یاد بگیرند که چگونه با مشکلات خود روبرو شوند؛ و آن‌ها را اداره نمایند، نگرانی از شروع زندگی مشترک کمتر شده و افراد با امیدواری بیشتری تصمیم به ازدواج می‌گیرند. همچنین اتخاذ تدابیری همچون تشویق جوانان و خانواده‌ها نسبت به برگزاری مراسم ازدواج به صورت ساده و کم هزینه، برپایی جشن‌های ازدواج گروهی توسط دانشگاه‌ها، بنیادها و مؤسسه‌ها، تغییر نگرش در مورد اختلاف سنی بین زوج‌ها، تغییر نگرش جامعه نسبت به تساوی تحصیلی و شغلی زوج‌ها

1- Isen, & Stevenson

و فراگیر کردن ارایه تسهیلات مالی و بانکی با حداقل سود و کارمزد به زوج‌های جوان، می‌تواند در کاهش سن ازدواج مؤثر باشد.

منابع

- احمدی، علی. (۱۳۸۲). *بررسی نظر دانشجویان دانشگاه تربیت معلم آذربایجان در مورد برخی موانع و مشکلات ازدواج*. همایش ازدواج دانشجویی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۷۱). *انتخاب همسر*. چاپ اول، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- آستین افشان، پروانه. (۱۳۸۱). *بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- بودن، ریمون. (۱۹۹۱). *جامعه پژوهشی، ترجمه‌ی غلامرضا کاشی، (۱۳۷۳)*، چاپ اول، گناباد: نشر مرن‌دیز.
- جمشید، بهنام. (۱۳۴۸). *جمعیت‌شناسی عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۳). *تکنیک‌های خاص تحقیق*. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
- زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۷۸). *جمعیت، توسعه و بهداشت باروری*. چاپ اول، تهران: انتشارات بشری.
- سالنامه آماری کشور. (۱۳۸۱). *سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور*. مرکز آمار ایران.
- سگالن، مارتین. (۱۹۹۸). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه‌ی: حمید الیاسی. (۱۳۸۰) چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۷۸). *مسائل اجتماعی جوانان*. چاپ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

کاری، فیروزه. (۱۳۸۲). *تأثیر تحصیلات و اشتغال بر تأخیر در سن ازدواج دختران در تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.

کاشی، غلامرضا؛ قاسمی اردهائی، علی؛ ستارزاده، داوود. (۱۳۸۲). *بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران روستایی با تأکید بر مباحث اشتغال*. مهندسین مشاور طرح و منظر، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.

کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۳). *تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن*. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره سه، صص ۷۲-۹۶.

کجباف، محمد باقر؛ لطیفی، زهره؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ توکلی، ماهگل. (۱۳۸۷). *تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران*. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص. ۱۲۳-۱۳۲.

گرامیان، بهروز. (۱۳۸۷). *خانواده‌ی ایرانی در هزاره‌ی سوم*. هفته‌نامه *ارغوان*، سال اول، شماره‌ی ۱۶، صص. ۱۵-۲۳.

لوکاس، دیوید؛ پاول، میر. (۱۹۹۹). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*. ترجمه‌ی: حسین محمودیان. (۱۳۸۱). چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

محمویان، حسین. (۱۳۸۳). *سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان*. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص. ۲۷-۵۳.

مهدوی، محمد صادق. (۱۳۷۷). *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

Abbasi-Shavazi, M. J. (2000). *Effects of marital fertility and nuptiality on fertility transition in the Islamic Republic of Iran*. Working Papers in Demography, Canberra: Australian National University. Working Papers

Cooper, H. M. (1996). Sociological analysis and the variable. *American Sociological Review*, 21, 638- 690.

Egle, Da., & Salehi Isfahani, J. (2009). Why are Iranian youth delaying marriage? Labor Market out comes and the timing of marriage. *European Journal of Social Sciences*, 10, 4, 215-234.

- Goodkind, D. (1997). The Vietnamese Double Squeeze. *International Migration Review*, 31, 1, 108-127.
- Ise, A., & Stevenson, B. (2008). Women's education and family behavior: Trends in marriage, divorce and fertility, *Journal of Economic perspective*, 12, 2, 36-52.
- MacDonald, D., & Heuwal, F. (1994). The Real marriage squeeze: Mate selection, mortality, and the mating gradient, *Sociological Perspectives*, 31, 2, 169-89.
- Sajeda, A., (2006). The *implications of trade liberalization for working women's marriage: Case studies of Bangladesh, Egypt and Vietnam*, In: Caren Grown, Elissa Braunstein, and Anju Malhotra (eds.) *Trading Women's Health and Rights? Trade Liberalization and Reproductive Health in Developing Economies* (London: Zed Books), 97-120
- Schoen, R. (1983). Measuring the tightness of a marriage squeeze. *Demography*, 20, 1. 61-78,
- Population Reference Bureau, National Academic Press, Washington, Dc, 2005, Available from [http://: www.nap.edu](http://www.nap.edu).